

درباره کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن

چکیده: کتاب در باب تکثر تمدن‌ها اثر کانشنی، کتابی در حوزه تمدن پژوهی است که نویسنده آن درصدد است تا با بررسی متغیرهایی چون زبان، نژاد، دین و اخلاق، تبیینی روشن از تنوع و تکثر تمدن‌ها ارائه دهد. وی با بررسی تاریخ تمدن بشری، نظریه‌ای در باب تمدن و عناصر تشکیل دهنده آن و نیز شرط استمرار بقای آن را ارائه می‌دهد و سپس با استفاده از آن نظریه، تمایز میان تمدن‌ها را تبیین کرده و علل برتری یکی بر دیگری را تشریح می‌نماید. کتاب مذکور برای نخستین بار در سال ۱۹۳۵ م. در لهستان چاپ شده و متن انگلیسی آن در سال ۱۹۶۲ م. به چاپ رسید. نویسنده در نوشتار حاضر، به ارائه گزارشی از کتاب بر اساس ساختار آن همت گمارده و محتوای فصول کتاب را به تصویر کشیده است.

کلیدواژه: کتاب در باب تکثر تمدن‌ها، تمدن پژوهی، کانشنی، تاریخ تمدن بشری، مطالعه تمدن، معرفی کتاب.

در دهه‌های اخیر کم‌کم، رویکرد موضوع «تحریف قرآن» از حالت تاریخی-روایی، به رویکرد فلسفی-کلامی در حال تغییر است. سیر روزافزون و گسترش موضوعات و احیاناً شباهت دینی درباره وحی، می‌تواند شاهد این ادعا باشد.

قرن اخیر، قرن «فلسفه زبان»، «فلسفه ذهن» و به دنبال آن، موضوعات هرمنوتیک است. این فلسفه‌ها برخی از شاخص‌ترین آموزه‌ها و دیدگاه‌های ادیان آسمانی و از جمله اسلام را دربر گرفته‌اند. بنابراین دیری نمی‌پایید که موضوع «عدم تحریف» به زیاده و نقصان قرآن کریم^۱، از مرکز توجهات علمای دین و فلسفه دین خارج خواهد شد.

* * *

گذشته از مطالبی که گذشت، فعلاً با توجه به حجم اتهاماتی که به شیعه، درباره موضوع تحریف قرآن و در محاورات گرایش‌تند «سنی» اسلامی^۲ زده می‌شود، ضروری است تا حد امکان به این موضوع پرداخته شود.

به همین دلیل یکی از این ضرورت‌ها، تدوین کتاب‌شناسی به‌روز برای موضوع «عدم تحریف قرآن» است. کتاب‌شناسی یک موضوع، برای مؤلفان و محققان آن موضوع، جزء حیاتی‌ترین ابزارهای موفقیت آنها است. قدم اول در تألیف کتاب‌های تحقیقی و علمی، مراجعه به کتاب‌شناسی آن موضوع است.

موضوع «عدم تحریف کتب آسمانی» برای همه ادیان آسمانی بسیار مهم است، اما آنچه برای دین اسلام مهم‌تر می‌نماید، معجزه دانستن قرآن کریم و عدم تحریف آن است. هر خدشه‌ای که به این باور اسلامی وارد شود، می‌تواند بسیاری از باورهای اسلامی دیگر را نیز متزلزل نماید.

در نگاهی اجمالی به کتب عدم تحریف قرآن، درمی‌یابیم که رویکرد این کتاب‌ها، رویکردی تاریخی و نزاع‌فرم‌های است که از قرن سوم تا پنجم شکل گرفته و تا کنون ادامه یافته است.

توجه آنها به محفوظ ماندن آیات قرآن کریم از «نقص و اضافه» و عدم تحریف کتاب قرآن، از عصر «جمع قرآن» تا کنون است. ایشان در کتب مستقل و غیرمستقل، استدلال‌های متنوعی در محفوظ ماندن آیات قرآن کریم پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطرح نموده‌اند.

به نظر می‌رسد که موضوع «قرآن و تحریف»، فراتر از ستیزه‌های فرقه‌ای و مذهبی، می‌تواند ابعاد گسترده‌تر و متنوع‌تری داشته باشد. بنابراین در کتاب «موضوع‌شناسی قرآن و تحریف»، «عدم تحریف قرآن» را از منظرهای مختلفی و بیشتر از رویکردهای تاریخی بررسی کرده‌ایم.^۱

۱. و توجه به تحریف قرآن را متوجه به «مباحث روز» و «فلسفه دین» نموده و به چهار مرحله و بخش تقسیم نموده‌ایم:

مرحله ۱: بررسی «عدم تحریف قرآن» در دریافت و انتقال «فرشته وحی» از خداوند متعال.

مرحله ۲: بررسی «عدم تحریف قرآن» در دریافت و انتقال «پیامبران» از فرشته وحی.

مرحله ۳: بررسی «عدم تحریف قرآن» در دریافت و انتقال «صحابه پیامبران» از پیامبران.

مرحله ۴: بررسی «عدم تحریف قرآن» در دریافت و انتقال «مردم» از صحابه پیامبران تا کنون.

نمازهایشان می خواندند و برای تعلیم دیگران قرائت می کردند، اما بعد از وفات پیامبر شرایط تغییر کرد و در اوضاع و احوال جدید، جمع آوری قرآن الزامی شد. این الزام بنا بر داستانی، باورمند گشت.^۲

سراسر این داستان تدوین قرآن را واقعیتی مسلم انگاشته اند. آن گونه که خواهیم دید، این دیدگاه مبنایی شد برای نظر متأخرتری که مدعی بود متن قرآن کامل نیست. در احادیث اهل سنت روایات فراوانی هست دال بر از دست رفتن بخشی از وحی قبل از آنکه ابوبکر جمع آوری قرآن را آغاز کند. اخبار مشابهی خصوصاً درباره مصحف عثمانی ذکر شده است. این اخبار حکایت از آن دارند که بسیاری از صحابه برجسته بخش هایی از وحی را که خودشان از پیامبر یا به شکل دیگری شنیده بودند، در مصحف عثمانی نمی یافتند. این اخبار در بردارنده این نکته اند که تفاوت های چشمگیری بین مصحف های مختلف قرآن وجود داشته است.

عموماً در سنت اسلامی این مطلب پذیرفته شده است که مصحف رسمی قرآن را عثمان نسر داد و همو دیگر قرائت های قرآن را تحریم کرد. مسلماً تفاوت هایی بین مصحف عثمانی و دیگر مصحف های قدیمی بوده؛ چنانچه بین خود مصحف ها نیز تفاوت هایی بوده است. گذشته از مسائل دیگر، این تفاوت ها بود که ضرورت تدوین مصحف عثمانی و متن مورد پذیرش همگان را پدید آورد.

احتمال می رود که مصحف علی (ع) که کامل ترین و معتبرترین مصحف ها بوده، مصحف رسمی پیشنهاد شده به عثمان باشد، اما او آن را رد کرده و ترجیح داده است اجزای همه مصحف های موجود را جمع آوری و تدوین کند. این امر موجب شد علی (ع) نیز از ارائه مصحفش برای تدوین مصحف عثمانی خودداری کند. روایت شده است که عبدالله بن مسعود صحابی نیز از جریان تدوین کناره گرفت و از ارائه مصحف خویش خودداری کرد.

اگر این نکته اخیراً با اخبار پیش گفته درباره تدوین قرآن بعد از وفات پیامبر به دست علی (ع) تطبیق داده شود، ممکن است موجب

۲. داستان گزارش شده در منابع سنی از این قرار است: دو سال بعد از وفات پیامبر، مسلمانان در نبردهای خونین با جامعه رقیب یمامه در صحرای عربی درگیر بودند. بسیاری از حافظان (قاریان قرآن) زندگی شان را در این زمان از دست دادند. بیم آن پیش آمده بود که بخش عمده ای از قرآن به دلیل وفات بسیاری از حافظان قرآن از دست برود. این مسائل ابوبکر را واداشت تا دستور جمع آوری قرآن را بدهد. برای انجام این کار، از صحابه پیامبر و حافظان قرآن خواست هر بخشی از وحی را که حفظ کرده یا به هر شکلی نوشته اند بیاورند. ابوبکر به عمر و زید بن ثابت دستور داد تا در مدخل مسجد مدینه بنشینند و هر آیه یا بخشی از وحی را که دست کم دو گواه شهادت دهند که آن را از پیامبر شنیده اند بنویسند. همه اجزا تدوین شد و بر روی اوراق کاغذی یا پوست آهونیت گردید، اما هنوز در یک مجلد (مابین الدفتین) تدوین نشده بود. افزون بر آنکه این اجزا برای همه جامعه اسلامی که قرآن را تنها در شکل اجزای پراکنده شخصی در دست داشتند در دسترس نبود. اوراق نزد ابوبکر و عمر باقی ماند و بعد از مرگ عمر به دخترش حفصه رسید. عثمان در دوره خلافتش اوراق را از حفصه گرفت و آنها را در یک مجلد تدوین کرد. او نسخه های چندی از آن را فراهم آورد و به بخش هایی از جهان اسلام فرستاد.

در این نوشتار، قصد معرفی کتابشناسی های موضوع عدم تحریف قرآن را داریم. در مقدمه این کتابشناسی، شایسته است تاریخچه ای مختصر از سیر پیدایش بحث تحریف یا عدم تحریف قرآن آورده شود.

سیر پیدایش بحث تحریف قرآن

نخستین متکلمان شیعی در مجادله با سنی ها، احادیثی را از مآخذ سنی نقل و با آنها ضد خود ایشان استدلال می کردند، اما از میانه قرن سوم به بعد، برخی تصور می کردند که هر چه برخی محدثان قدیمی شیعی، گفته یا نوشته اند، ضرورتاً دیدگاه ها و اخبار ائمه را نشان می دهد. این فرض موجب نسبت دادن مطالب نادرست به اندیشه شیعی شد.

بسیاری از این گفت و شنودهای محدثان شیعی با اهل سنت در گذر زمان فراموش شده بودند. از این جهت روشن نبوده است که آیا برخی از عقایدی که بعدها دیدگاهی سنی یا شیعی قلمداد شده اند، در اصل دیدگاه های گروه های مختلف بوده است یا حداقل در جریان های اصلی جامعه اسلامی مطرح بوده اند یا خیر؟

مسئله عدم نقصان و زیادت مصحف عثمانی و مجادلات درباره آن، مثال مهمی از این پدیده است. مسئله اصلی در این منازعات این بود که آیا مصحف عثمانی تمام آیات قرآن را در بردارنده آیات دیگری نیز وجود داشته که از مصحف عثمانی حذف شده اند؟ شواهدی در خود قرآن و نیز احادیث وجود دارد که نشان می دهد پیامبر متن مکتوبی را در دوره حیاتشان و به احتمال بیشتر در نخستین سال های حضورشان در مدینه تدوین کرده بودند. ایشان ظاهراً کار تدوین قرآن را تا پایان حیاتشان ادامه دادند و به کاتبان وحی می گفتند که بخش های جدید وحی شده را کجای قرآن قرار دهند.

روایت سنی درباره جمع آوری قرآن با آنچه پیش تر آمد، کاملاً متفاوت است. این روایت مدعی است که قرآن تا پس از زمان وفات پیامبر در سال یازدهم هجری در یک مجلد تدوین نشده بود. کاتبان وحی پس از آن که پیامبر آیات قرآن را در می یافت و بر آنان قرائت می کرد، به سرعت می نوشتند. برخی مؤمنان بخش هایی از وحی را حفظ می کردند یا گاهی وحی را بر هر چیزی که می شد بر آن نوشت و در دسترس بود، ثبت می کردند.

بر اساس نظر طرفداران این قول، این واقعیت که قرآن به شکل یک کتاب تا وفات پیامبر تدوین نشده بود، کاملاً منطقی است؛ زیرا تا وقتی که پیامبر در قید حیات بود، همیشه وحی دیگری انتظار می رفت. هیچ شکل تدوین شده ای از اجزایی که پیش تروحي شده بود، نمی توانست تهیه شود که تمام متن قرآن را دربرگیرد.

افراد متعددی بخش های زیادی از وحی را حفظ کرده بودند و در

روشن شدن خاستگاه‌های داستان گردد. با در نظر گرفتن برخی مباحث سیاسی صدر اسلام و مباحث جدلی. منازعه‌ای بعدی در درون جامعه اسلامی، می‌توان از وجود جریان چندمرحله‌ای شکل‌گیری آن سخن گفت.

در طول زمان مطالبی درباره قول به نقصان‌ها و تغییرها در قرآن تا حدی زیاد شد که به شکل تک‌نگاری‌های گسترده‌ای در ادبیات اهل سنت تجلی یافت. بنابراین این نظر که مصحف عثمانی ناقص است، نتیجه منطقی روایتی است که به احتمال زیاد در مقام تلاشی فرقه‌ای از سوی سنی‌ها جعل شد و بنابراین در ابتدا مفهومی کاملاً سنی داشت. جنبه‌هایی از این نظر مثل این ادعا که مطالب غیرقرآنی به مصحف عبدالله بن مسعود افزوده شده بود، حمایت هیچ یک از فرقه‌های اسلامی را به دنبال نداشت.

سرانجام این تلاش منتهی به بروز مشکلاتی برای اهل سنت شد و مخالفانشان در منازعات جدلی، استدلال تازه‌ای ضد ایشان مبنی بر تغییر در مصحف عثمانی یافتند. این مسئله در مورد شیعه کاملاً درست است که تردیدهایی درباره شرایطی که مصحف عثمانی رواج یافت داشته است و اینکه ممکن است تصرفات چندی در گردآوری قرآن به دست کسانی که مسئول تدوین بوده‌اند رخ داده باشد.

همچنین گفته‌اند که یاد علی (ع) و اهل بیت پیامبر در مصحف‌های قدیمی در عبارات‌های دیگری از قرآن آورده شده است. چنین اخباری برای متکلمان قدیمی شیعه، سلاح آماده‌ای برای مسکوت کردن مخالفانشان شد تا استدلال کنند که اگر متن قرآن تبدیل نشده بود، مردم به روشنی می‌توانستند در قرآن، برهان‌هایی دال بر حق اهل بیت پیامبر را ببینند. اشاره به قرائت‌های مختلف سنی‌ها، مکرر در منازعات فرقه‌ای بین سنی‌ها و شیعیان ظاهر می‌شود.

مخالفانشان در منازعات جدلی، استدلال تازه‌ای ضد ایشان مبنی بر تغییر در مصحف عثمانی یافتند. این مسئله در مورد شیعه کاملاً درست است که تردیدهایی درباره شرایطی که مصحف عثمانی رواج یافت داشته است و اینکه ممکن است تصرفات چندی در گردآوری قرآن به دست کسانی که مسئول تدوین بوده‌اند رخ داده باشد.

عامل دیگر که گویا در ورود این نوع احادیث به ادبیات شیعی سهم داشته، علاقه خاص پیروان برخی جریان‌های الحادی غلو در میان فرقه‌های شیعه بوده است. غلات از این اخبار در منازعات مذهبی با شیعیان معتدل معاصر خود بهره‌برداری کرده‌اند.

در مواجهه با این تحدی، فقهای سنی بعدها به دوری‌گزیدن از نقل این اخبار رو آوردند و در مقابل بر عدم تحریف قرآن تاکید کردند. آنان بعدها نقل و ارجاع به این اخبار قدیمی را ممنوع کردند، حتی اگر سلسله روایت ثقه خودشان آنها را نقل کرده بودند.

بسیاری از روایات سنی درباره تحریف قرآن و به واسطه راویان حدیث چون احمد بن محمد سیاری،^۴ محمد بن حسن بن جمهور عمی بصری،^۵ مفضل بن عمر جعفی، یونس بن ظبیان و منخل بن جمیل کوفی^۶ به ادبیات شیعه وارد شده بود. همه این افراد به آرای غلو و گرایش‌های الحادی معروف بودند و به دلیل همین دیدگاه‌ها، از جریان غالب تشیع در زمانشان و همچنین در زمان‌های بعد کنار نهاده شدند.

بنابراین عقیده به تحریف قرآن که در بین جامعه اهل سنت شکل گرفته بود، به تدریج به صورت ادعایی بی‌اساس و ضدسنی تبدیل شد. با وجود این، اهل سنت نمی‌توانستند از همه احادیث این‌گونه چشم‌پوشی کنند؛ زیرا بسیاری از آنها را سلسله راویان ثقه و مقبول نقل کرده بودند.

اساساً به واسطه تلاش‌های مقاوم گروه‌های غلو در داخل جامعه شیعه، تمام مطالب مربوط به این موضوع، به شکل شگفت‌انگیزی در نیمه نخست قرن سوم هجری بر مبنای روایات مورد پذیرش رجال اهل سنت شکل گرفت.

بنابراین عقیده به تحریف قرآن که در بین جامعه اهل سنت شکل گرفته بود، به تدریج به صورت ادعایی بی‌اساس و ضدسنی تبدیل شد. با وجود این، اهل سنت نمی‌توانستند از همه احادیث این‌گونه چشم‌پوشی کنند؛ زیرا بسیاری از آنها را سلسله راویان ثقه و مقبول نقل کرده بودند.

غلات تلاش‌های بیشتری در دیگر موارد مشابه که نام علی (ع) یا اشاره‌ای به اهل بیت پیامبر می‌توانست در آیه اضافه گردد انجام دادند. برای طرح این مدعا که مورد یا مواردی به عمد از قرآن حذف شده‌اند، نفوذ جمعی از این تلاش‌ها در کتاب القراءات سیاری^۷ در دسترس است.

سنی‌ها تقسیم‌بندی جدیدی را از نسخ به منظور توجیه عدم وجود مطالب حذف شده از مصحف عثمانی ارائه کردند. این نظریه‌پردازان بود که با وجودی که خود آیه حذف شده است، هنوز مردم آن را به خاطر دارند. این نظر تا زمان حاضر، صحیح تلقی می‌شود.

در آغاز میانه قرن سوم، بسیاری از محدثان شیعی به پذیرش وثاقت

در اندیشه تشیع، بنیاد ایمان بر ولایت ائمه و خاندان پیامبر است. ولایت مهم‌ترین عنصر و برترین جزء شریعت است. شیعیان نخستین به تقوای بی‌مانند علی (ع)، فاضل‌ترین جانشین پیامبر پس از وی ائمه که از نسل او هستند به مثابه حاکمان حقیقی زمانشان اعتقاد داشته‌اند، گرچه قرآن اشاره صریح و بی‌ابهامی به هیچ یک از این موارد ندارد.

۳. می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. مانده: ۲۰۶۷، آل عمران: ۳۰، ۳۳، واقعه: ۱۰-۱۲، ۴۰، فرقان: ۱ و ۵، نور: ۳۵.

۴. او مرجع نهایی بیش از یک سوم همه روایات درباره این موضوع در کتب شیعه است.

۵. هر دو در میانه قرن سوم می‌زیسته‌اند.

۶. همگی از رجال اواخر قرن دوم.

۷. این کتاب به کتاب التنزیل و التحریف نیز مشهور است.

این اخبار تمایل داشتند. آنان همانند همتایان سنی‌شان، مدعی بودند که در قرآن حذف و تبدیل‌های صورت گرفته است.^۸

دیگر فقها به نقل روایاتی که درباره این موضوع اند بسنده کرده‌اند، بدون اینکه توضیح دهند آیا به وثاقتشان اعتقاد دارند یا خیر.^۹ با این همه اتفاق نظری درباره این مسئله میان محدثان شیعی نبوده است.

نظر محدثان به زودی در مقابل حملات فقهای شیعه قرن چهارم روبه انحطاط نهاد و در نهایت در دهه‌های نخستین قرن بعدی در نتیجه شکست از مکتب فکری. عقلی شیعه از صحنه حذف گردید و نظر تحریف قرآن در ادبیات شیعه، نکته‌ای حاشیه‌ای ماند و تنها برخی از محدثان قرن سوم و چهارم از آن حمایت کردند.^{۱۰}

نهضت ردیه‌نویسی بر تحریف قرآن

از پایان قرن چهارم تاکنون، فقط چند نفر از علمای شیعه بودند که از احتمال حذف و تغییر در مصحف عثمانی، اساساً با اتکا بر روایات درباره این مسئله. حمایت کرده‌اند. برای دفع این نظریه، نوشته‌های غیرمستقل و مستقلی نگارش یافت، که بسیار اندک‌اند و برخی از آنها عبارتند از:

- نفی التحریف عن القرآن الشریف، ابولحسن علی واحدی نیشابوری (۳۹۸، ۴۶۸ ق.)

- رساله فی نفی النقیصه، علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰ ق.)

- کشف الحجاب و النقاب فی وجه تحریف الکتاب، ملا محمد سلیمانی (ق ۱۲)

- تواتر القرآن، محمد بن حسن (۱۰۳۳-۱۱۰۴ ق)

به واسطه نگارش یک کتاب، «نهضت ردیه‌نویسی» بر تحریف قرآن به اوج رسید. یکی از جنجالی‌ترین کتاب‌های متأخر که احتمال حذف و تغییر در مصحف عثمانی را صحیح دانسته است، کتاب الفُصل

۸. محدثانی چون علی بن ابراهیم قمی (زنده به سال ۳۰۷ ق) و سعد بن عبدالله اشعری (۳۰۱۲۹۹ ق.)

۹. این فقها عبارت‌اند از: محمد بن مسعود عیاشی (اواخر قرن سوم)، محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ ق.)، محمد بن عمر کشی (اوایل قرن چهارم) و محمد بن ابراهیم نعمانی (متوفای حدود ۳۵۰ ق.)

۱۰. این چند صفحه، خلاصه‌ای بود از مقاله: «بررسی سنجیه‌های دیرین درباره تحریف قرآن»، سیدحسین مدرسی طباطبائی، مترجم محمدکاظم رحمتی، هفت آسمان، شماره ۱۱، برای اطلاع بیشتر و استفاده از منابع و ارجاعات، به اصل مقاله رجوع کنید.

بسیاری از روایات سنی درباره

تحریف قرآن و به واسطه

راویان حدیث چون احمد

بن محمد سیاری، محمد

بن حسن بن جمهور عمی

بصری، مفضل بن عمر جعفی،

یونس بن ظبیان و منخل بن

جمیل کوفی به ادبیات شیعه

وارد شده بود. همه این افراد

به آرای غلو و گرایش‌های

الحادی معروف بودند.

الخطاب فی تحریف الکتاب محدث نوری^{۱۱} است. ایشان درباره غیرآیات احکام، اختیار کرده است که در قرآن، تنقیص (نه زیاده) حاصل شده است به طوری که ما عین آن را نمی‌دانیم، اما نزد اهلش مشخص و موجود است، بلکه از اخباری که آنها را در کتاب به صورت مفصل ذکر کرده است، علم اجمالی به ثبوت نقص فقط حاصل است.

شیخ محمود طهرانی مشهور به مُعَرَّب ردی بروی نگاشت و نامش را «کشف الارتیاب عن تحریف الکتاب» نهاد. چون این مطلب به شیخ نوری رسید، رساله‌ای فارسی جداگانه در جواب از شبّهات «کشف الارتیاب» نوشت. شیخنا عادتش این بود که می‌گفت: راضی نیستم از کسی که «فصل الخطاب» را مطالعه کند و نظر در این رساله را واگذارد.

ایشان در اول رساله جوابیه گفته است: اعتراض بر کتاب من، بر اساس مغالطه در لفظ تحریف است؛ چرا که مراد من از تحریف، زیادکردن و تغییر و تبدیل نیست، بلکه خصوص اسقاط بعض از آن چیزی است که نازل شده است و نزد اهلش محفوظ است.

به علاوه مراد من هم از کتاب، قرآن موجود میان دفتین نیست؛ به علت آنکه آن قرآن بر آن حالتی که بین الدفتین در عصر عثمان بود، اینک هنوز باقی است و نه زیادی بر آن عارض شده است نه نقصان. بلکه مراد من کتاب الهی نازل شده است.

علامه طهرانی که شاگرد او است، در ذریعه می‌گوید:

من خودم از او شفها شنیدم که می‌گفت: من در این کتاب ثابت نموده‌ام که آنچه فعلاً در میان دفتین موجود است، دست نخورده همان است که در عصر عثمان بوده است. ابدأً تغییری و تبدیلی مانند آنچه در سایر کتب سماویه حاصل شده است در آن رخ نداده است. بنابراین سزاوار است به آنکه نامیده شود: «فصل الخطاب فی عدم تحریف الکتاب».

و علیهذا نامیدن آن به این نامی که مردم آن را برخلاف منظور و مراد من حمل می‌کنند، اشتباهی است در نامگذاری... مراد من، اسقاط بعض وحی مُنَزَّل الهی است و اگر می‌خواهی توانم آن را بگذارم: «الْقَوْلُ الْفَاصِلُ فِي إِسْقَاطِ بَعْضِ الْوَحْيِ النَّازِلِ...»^{۱۲}

۱۱. ابن المولی محمد تقی بن المیرزا علی محمد التوری که در ابوالواقرای نور طبرستان در سال ۱۲۵۴ ق متولد شدند و در سال ۱۳۲۰ در شب چهارشنبه ۲۷ ماه جمادی‌الآخری فوت می‌کند و همان روز در ابوان سوم از طرف راست کسی که از باب قبله داخل صحن مرتضوی می‌شود دفن می‌گردد.

۱۲. «الدَّرْبَعَةُ الی تصانیف الشَّیخة» ج ۱۶، ص ۲۳۱ و ص ۲۳۲.

عناوین مستقل که به صورت جزوه، کتاب، مقاله و پایان‌نامه به موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند.

عناوین غیرمستقل که به مناسبتی، درباره عدم تحریف قرآن مطلب نوشته‌اند. این عناوین فرعی را می‌توان در نوشته‌های علوم قرآن، تفسیر، اصول فقه و اصول عقاید یافت.

عناوین غیرمستقل، کاریک تدوینگر کتاب‌شناسی را بسیار مشکل می‌کند؛ چرا که برای فراگیر بودن کار، باید تمامی کتاب‌هایی که احتمال می‌رود به صورتی درباره این موضوع سخن گفته‌اند را ببیند.

برای مثال افزون بر کتاب‌های علوم قرآنی، کتاب‌هایی درباره جمع قرآن یا مصحف علی (ع) هستند، به صورت مستقیم یا به نوعی به بحث تحریف قرآن مربوط خواهند شد یا دانشمندان علم اصول به تناسب بحث از دیدگاه اخباریان در مورد عدم حجیت ظواهر کتاب، به بررسی این مسئله نیز پرداخته‌اند.^{۱۴}

بنابراین بررسی این دامنه کار عمر طولانی و صرف هزینه زیاد می‌طلبد که غالباً تدوینگر را از پرداختن به این دامنه و وسعت کار منصرف می‌کند.

معرفی منابع برای تدوین کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن

معرفی برخی از منابعی که می‌توان این کتاب‌شناسی را از آنها استخراج نمود به ترتیب سال انتشار:^{۱۵}

- ۱۳۴۳. الکتب المصنفة فی القرآن، ابن ندیم، ترجمه م. رضا تجدد.
- ۱۳۴۳. کتاب‌شناسی ملی ایران (بخش قرآن و علوم قرآنی)، بی‌نام.
- ۱۳۴۶. کتاب‌شناسی ده‌ساله ایران (بخش قرآن)، ایرج افشار.
- ۱۳۵۲. کتاب‌شناسی موضوعی ایران (بخش قرآن)، حسین بنی‌آدم.
- ۱۳۵۷. فهرست المطبوعات العراقية (بخش القرآن الکریم، تفسیر و علوم القرآن)، عبد الجبار عبدالرحمن.
- ۱۳۶۰. معجم الدراسات القرآنية: المطبوعة والمخطوطة، مهرون الصفار.
- ۱۳۶۱. اعلام الدراسات القرآنية فی خمسة عشر قرناً، مصطفی الصاوی الجوینی.

۱۴. مثلاً مرحوم آیت‌الله بروجردی به اجمال این بحث را در درس اصول خود مطرح کرده‌اند. به عقیده ایشان کتاب خدا در زمان پیامبر مدون شده بود و روایاتی که از عامه و خاصه درباره تدوین قرآن پس از وفات پیامبر (ص) نقل شده مجعول است. عامه به دلیل بیان فضل ابوبکر و عمر و خدمت آنان به اسلام، احادیث تدوین قرآن در زمان ابوبکر با اشاره عمر را جعل کرده‌اند و از آنجا این روایات به خاصه انتقال یافته است. خاصه نیز در مقابل، روایات جمع قرآن به دست حضرت امیر (ع) را به گونه‌ای نقل کرده‌اند که از آن انکار خلافت ابی‌بکر استفاده گردد. البته این‌گونه روایات را عامه نیز نقل کرده‌اند، ولی به گونه‌ای که از آن خانه نشین شدن حضرت و عدم حضور برای بیعت با ابی‌بکر توجیه کنند. (نهاية الاصول، ص ۴۸۳، ۴۸۴).

۱۵. برای اطلاع بیشتر از اغلب این آثار رک به: ربانی، هادی؛ «کتاب‌شناسی توصیفی کتاب‌شناسی‌های قرآنی»؛ فصلنامه صحیفه مبین، شماره‌های ۲، ۴، ۱۳، ۱۴، سال ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۷. همچنین این مقالات به صورت یکجا در گاهنامه صحیفه مبین منتشر شده است.

بی‌شک از زمان تألیف کتاب وی پیرامون تحریف قرآن تاکنون، بیشترین حجم کتاب‌ها و مقالات درباره عدم تحریف قرآن در جامعه شیعی نگاشته شده است که اکنون در این نوشتار به کتاب‌شناسی‌های آنها می‌پردازیم.

سختی تدوین کتاب‌شناسی عدم تحریف قرآن

یک: اساساً تدوین و تنظیم کتاب‌شناسی، کاری طاقت‌فرسا و زمانبر است. مراجعه‌کنندگان محدود دارد و معمولاً در کتابفروشی‌ها به دید کتاب بی‌مشتری به آن می‌نگرند. کتاب‌شناسی‌ها شاید سال‌های سال در انبار ناشران می‌مانند.

اسفناک‌تر اینکه تا مراجعه‌ای به متن کتاب‌شناسی صورت نگیرد، کاستی‌ها و نقص‌های آن مشخص نمی‌شود. با این وصف کسانی که اقدام به تدوین و تنظیم کتاب‌شناسی می‌کنند، اگر وقت زیاد و دقت فراوان صرف کار نکنند، حتماً کاری نامطمئن خواهد بود.

از سوی دیگر تنظیم کتاب‌شناسی واقعاً دشوار و خسته‌کننده است؛ زیرا تدوین‌گر با یک سری اعداد و اسامی سرکار دارد که اگر خوب دقت کند، باز در مراحل حروفچینی و صفحه‌آرایی زمینه اشتباه او مهیاست.

اگر اشتباه‌های کتاب‌های معمولی را بتوان با خواندن کلمات قبل و بعد تشخیص داد، در کتاب‌شناسی اگر در مراحل حروفچینی قصوری رخ دهد، به هیچ عنوان بدون تطبیق مکرر و دقیق نمی‌توان اشتباهات را تشخیص داد.

دو: بخشی از مصادر و مراجع قدیمی شیعه^{۱۶} و سنی شامل گزاره‌های واحد یا مختصری درباره موضوع تحریف قرآن هستند، اما نوشته‌هایی نیز اختصاصاً به این موضوع پرداخته‌اند که آنها را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

- ۱۳. برخی از منابع شیعه عبارتند از: ۱. اصول الکافی، ۲. فروع الکافی، ۳. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۴. من لایحضره الفقیه، ۵. بحار الانوار، ۶. مستدرک الوسائل، ۷. الوافی محسن الفیض الکاشانی، ۸. بصائر الدرجات الکبری فی فضل آل محمد، ۹. تفسیر الصافی، ۱۰. تفسیر العیاشی محمد بن مسعود العیاشی، ۱۱. تفسیر القمی علی بن ابراهیم القمی، ۱۲. تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد، ۱۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴. التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۶. مرآة الانوار و مشکاة الاسرار، ۱۷. البیان فی تفسیر القرآن، ۱۸. رجال الکشی، ۱۹. رجال النجاشی، ۲۰. لؤلؤة البحرين فی الإجازات و تراجم رجال الحدیث، ۲۱. رجال العلامة الحلی، ۲۲. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ۲۳. تنقیح المقال، ۲۴. جامع الرواه، ۲۵. رجال الطوسی، ۲۶. الکنی و الألقاب، ۲۷. الفهرست، ۲۸. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ۲۹. اعیان الشیعه، ۳۰. طبقات اعلام الشیعه، ۳۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۳۲. امل الأمل، ۳۳. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ۳۴. شرح نهج البلاغه، ۳۵. آراء حول القرآن، ۳۶. لمحات فی تاریخ القرآن، ۳۷. عقائد الامامیه، ۳۸. عقائد الاثنی عشریه، ۳۹. الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ۴۰. الانوار النعمانیة، ۴۱. الاختصاص، ۴۲. اوائل المقالات فی فی المذاهب المختارات، ۴۳. علل الشرائع، ۴۴. المراجمات، ۴۵. الاحتجاج، ۴۶. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ۴۷. النجم الثاقب فی احوال الامام الحجة الغائب، ۴۸. تذکره الاثمه، ۴۹. تحفه العوام مقبول، ۵۰. اصل الشیعه و اصولها، ۵۱. اللآلئ، ۵۲. مشارق الشمس الدریه، ۵۳. الدرر النجفیه، ۵۴. المصباح، ۵۵. المسائل السرویه للمفید، ۵۶. السبعه من السلف، ۵۷. الناسخ و المنسوخ.

۱۳۷۵. کتابشناسی کتب علوم قرآنی، معاونت فرهنگی وزارت ارشاد.
۱۳۷۶. چکیده پایان نامه های قرآنی دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه مراکز آموزش عالی، طاهر حدیثی.
۱۳۷۶. قائمه مطبوعات دارالکتاب المصری و دارالکتاب اللبنانی (بخش القرآن الکریم و علومه)، حسن الزین.
۱۳۷۶. کارنامه نشر (بخش قرآن) معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد.
۱۳۷۶. کتابشناسی گزیده علوم و معارف قرآنی و حدیث، ثریا پورحسین.
۱۳۷۶. معرفی کتاب های قرآنی و علوم قرآن، کتاب ماه دین^{۱۶}.
۱۳۷۷. کتابشناسی علوم قرآن، محمدعلی هاشم زاده.
۱۳۷۷. کارنامه نشر (بخش قرآن) معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد.
۱۳۷۸. پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری علوم قرآنی، جعفر نکونام.
۱۳۷۸. کارنامه نشر (بخش قرآن) معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد.
۱۳۸۰. مأخذشناسی علوم قرآن، مهدی دغاغله.
۱۳۸۴. تألیفات شیعه در شبه قاره هند، سیدشهبوسار حسین نقوی.
۱۳۸۴. کارنامه نشر (بخش قرآن) معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد.
- و نیز چهار کتابشناسی اختصاصی عدم تحریف قرآن که معرفی آنها خواهد آمد.

معرفی چهار کتابشناسی اختصاصی درباره عدم تحریف قرآن

جدای از برخی نوشته ها که به مناسبت بحث تحریف قرآن، به اجمال به عده ای از آثار درباره این موضوع اشاره داشته اند، تاکنون سه «کتابشناسی مستقل» در موضوع عدم تحریف قرآن منتشر شده است که عبارتند از:

۱. کتابشناسی افسانه تحریف

این کتابشناسی یک بار در سال ۱۳۷۴ شمسی، توسط جناب آقای محمد صحتی سردرودی^{۱۷} در شانزده صفحه تنظیم شده است و در شماره های ۲ و ۳ فصل نامه نشریه «صحیفه مبین»، وابسته به معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ تابستان و پاییز در صفحات ۵۹

۱۳۶۱. علوم قرآن و فهرست منابع، سید عبدالوهاب طالقانی.
۱۳۶۱. فهرست مقالات فرهنگی (بخش قرآن و قرآن شناسی)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب.
۱۳۶۲. دلیل الرسائل الجامعية فی کلیة الشریعة و الدراسات الاسلامیه بجامعة ام القرى، محمد حسن الشبلی.
۱۳۶۲. معجم مصنفات القرآن الکریم، علی شواخ اسحاق.
۱۳۶۳. کتابنامه فهرست کتب منتشره (بخش قرآن و علوم قرآن)، بی نام.
۱۳۶۵. کتابشناسی مطالعات قرآنی در سال های اخیر، مجله تحقیقات اسلامی.
۱۳۶۶. کتابشناسی موضوعی کتاب های دینی ایران (بخش قرآن شناسی)، سیدمحمدباقر نجفی.
۱۳۶۷. آثار الحنابلة فی علوم القرآن، سعود بن عبدالله الفنیسان.
۱۳۶۸. علوم القرآن الکریم و التفسیر، عبدالجبار عبدالرحمن.
۱۳۶۸. قرآن و علوم قرآنی، محمد جواد خندان و محمدعلی خاکساری.
۱۳۶۸. کتابشناسی های علوم قرآنی، یوسف عبدالرحمن المرعشلی، جمال احمدی الذهبی و ابراهیم عبدالله کردی.
۱۳۶۹. کتابشناسی موضوعی کتابخانه بنیاد پژوهش های اسلامی (بخش قرآن، علوم قرآنی، تفسیر و تفاسیر)، محمدعلی خاکساری و محمد فهیم پور.
۱۳۷۰. رسائل جامعیه حول القرآن الکریم، عبدالجبار الرفاعی.
۱۳۷۰. علوم قرآنی و تفسیر، مجله نماییه.
۱۳۷۰. کتابشناسی قرآن و علوم قرآنی، صدیقه سلطانی فر.
۱۳۷۰. کشف الفهارس، محمدباقر حجتی.
۱۳۷۱. دلیل المؤلفات الاسلامیه فی المملکه العربیه السعودیه، محمد خیر رمضان یوسف.
۱۳۷۲. التفسیر و علوم القرآن، عبدالجبار الرفاعی.
۱۳۷۲. معجم الدراسات القرآنیة، عبدالجبار الرفاعی.
۱۳۷۴. سیرنگارهای علوم قرآنی، محمدعلی مهدوی راد.
۱۳۷۴. فهرست پایان نامه های قرآنی دانشجویان دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی.
۱۳۷۴. کتابنامه بزرگ قرآن کریم، محمد حسن بکائی.
۱۳۷۵. دلیل رسائل جامعه ام القرى الی نهایت عام ۱۴۱۵ هجری، عمادة شؤون المكتبات جامعه ام القرى.
۱۳۷۵. فهرست پایان نامه های قرآنی موجود در کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، محمدعلی هاشم زاده.
۱۳۷۵. کارنامه نشر (بخش قرآن) معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد.

۱۶. هر ماه کتاب های با موضوع علوم قرآنی در این نشریه معرفی می شود، ولی از آنجا که همه این آثار به صورت یکجا در کارنامه نشر هر سال منتشر می شود از ذکر بقیه شماره ها صرف نظر شد.

۱۷. وی متولد سال ۱۳۴۳ شمسی در سردرود تبریز است. در تبریز و بناب «مقدمات» و اندکی از «سطح» را پیش ابراهیم وثوقی و سید مهدی مرعشی و عبدالمجید بنایمی آموخت و در سال ۱۳۶۹ به شهر قم هجرت کرد. پس از اتمام «سطح» در محضر حضرات آیات پایانی و اعتمادی، مدت سه سال از درس «اصول» آقای مکارم شیرازی و اندکی از درس «فقه» میرزا جواد تبریزی بهره مند شد. بیش از پنج سال در تفسیر آیت الله جوادی آملی و یکسال در درس استاد حسن زاده آملی شرکت کرد. از وی آثار متعددی منتشر شده است. برای اطلاعات بیشتر به وبلاگ ایشان مراجعه شود.

۶۴ و ۶۷. ۵۸ در اراک منتشر شده است.^{۱۸}

این مقاله مجدداً به صورت یکجا در تابستان ۱۳۷۹ در گاهنامه مجموعه مقالات صحیفه مبین وابسته به مرکز فعالیت‌ها و پژوهش‌های قرآن و عترت دانشگاه آزاد، شماره ۲، در ۲۲ صفحه و بدون هیچ تفاوتی در تعداد عناوین چاپ سری قبل منتشر شده است. این مقاله اولین کتاب‌شناسی مستقل درباره این موضوع است که با عنوان تحریف قرآن شناخته شد. و در بردارنده ۱۳۴ عنوان اثر است.

این مقاله دارای یک مقدمه کوتاه و سه بخش است. در بخش اول به کتاب‌های مستقل درباره عدم تحریف قرآن پرداخته شده که شامل چهار اثر است.

در بخش دوم به کتاب‌های غیرمستقل درباره این موضوع پرداخته شده که کتاب‌های تفسیری و علوم قرآنی را در برمی‌گیرد و شامل ۵۴ اثر می‌باشد. در بخش سوم به افسانه تحریف در آینه مطبوعات پرداخته شده که شامل چهار عنوان مقاله است. مؤلف در ابتدای معرفی آثار به چند نکته اشاره کرده است:

الف) در این تحقیق تنها از کتاب‌هایی نام برده می‌شود که اساس بحث آنها بر محور افسانه تحریف می‌چرخد و تنها به دلیل همین موضوع تألیف شده‌اند. کتاب‌هایی که در آنها به صورت جنبی بحث یا مباحثی در این باره مطرح شده مورد نظر نیست.

ب) دایره مقاله از حوزه تشیع فراتر نمی‌رود و تنها کتاب‌هایی را شامل می‌شود که توسط نویسندگان شیعه مذهب نوشته شده است. اگرچه دایره این موضوع در حوزه تسنن بسی فراتر از اینهاست؛ چرا که آنها پیش‌تر و بسی بیشتر از این دچار این افسانه گشته‌اند که خود بحثی جداگانه و گسترده را می‌طلبد.

ج) کتاب‌شناسی تا حد امکان همه کتاب‌های مربوط را در برمی‌گیرد و میان مثبت و منفی تفکیکی به دست نمی‌دهد، مگر آنجا که این کار در خصوص برخی کتاب‌ها لازم و ضروری می‌نمود. به این ترتیب غث و سمین و سره و ناسره را در برمی‌گیرد.

* * *

این کتاب‌شناسی از دو کتاب‌شناسی که در آینده صحبت خواهیم کرد، دقیق‌تر است و در برخی از عناوین همراه با توضیحات و توصیفات است که می‌تواند برای محققان مفید باشد. به نظر می‌رسد که تدوینگر

۱۸. شماره ۳ نشریه در تاریخ فوق رؤیت شد. قسمت دوم مقاله کتاب‌شناسی در آن وجود دارد. اما قسمت اول مقاله در شماره ۲ نشریه یافت نشد. ضمناً در مراجعه به پایگاه تخصصی مجلات نور مشخص شد که شماره ۲ نشریه در پاییز ۱۳۷۳ منتشر شده است.

از پایان قرن چهارم تاکنون، فقط چند نفر از علمای شیعه بودند که از احتمال حذف و تغییر در مصحف عثمانی، اساساً با اتکا بر روایات درباره این مسئله - حمایت کرده‌اند. برای دفع این نظریه، نوشته‌های غیرمستقل و مستقلی نگارش یافت، که بسیار اندک‌اند.

برخی از عناوین کتاب‌شناسی را حضوری ملاحظه نموده است و در تنظیم و ترتیب آثار تا جایی که ممکن بوده ترتیب تاریخی کتاب‌ها لحاظ شده است.

این کتاب‌شناسی همانند دو کتاب‌شناسی دیگر کاستی‌هایی نیز دارد که از آن جمله: کمبود در تعداد عناوین مرتبط با موضوع، طبق الگویی که ناظم کتاب‌شناسی برای گستره تدوین اثر در نظر داشته است. با نگاه اجمالی به برخی آثار ما قبل بهار سال ۱۳۷۴، می‌توان حدود شصت اثر دیگر آورد که در کتاب‌شناسی ایشان نیامده است.

یکدست نبودن داده‌ها و مشخصات عناوین کتاب‌شناسی همانند نام خانوادگی، نام مؤلف، عنوان اثر، ترجمه، نوع اثر، نوبت چاپ، شهر، چاپی / خطی، نام ناشر یا نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر، تعداد جلد، تعداد صفحه، قطع کتاب، زبان کتاب و محل نگهداری.

نداشتن ارجاعات کمکی برای دسترسی آسان محققان و پژوهشگران همانند ترتیب بر اساس الفبای عناوین، ترتیب بر اساس الفبای مؤلفین، ترتیب بر اساس محل نشر، تاریخ و ...

مشخص نبودن توصیفی یا غیرتوصیفی بودن کتاب‌شناسی. برخی از عناوین توصیف و توضیحات اضافی دارند و در برخی عناوین فقط به نام آنها اکتفا شده است.

کتاب‌شناسی اشاره‌ای به پایان‌نامه‌های درباره موضوع تحریف قرآن ندارد.

۲. کتاب‌شناسی تحریف ناپذیری قرآن کریم

این کتاب‌شناسی در بهار سال ۱۳۷۸ شمسی، توسط جناب آقای محمد امینی در هجده صفحه تنظیم و در شماره ۲۱ نشریه «بینات» موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع) در صفحات ص ۱۵۳ تا ۱۷۰ منتشر شده است.

این نوشتار دومین کتاب‌شناسی مستقل در این موضوع است که شناخته شده و شامل ۱۶۶ اثر است که حدود ۴۵ اثر مشترک و ۱۲۲ اثر متفاوت با کتاب‌شناسی آقای صحتی دارد.

اثر مورد بحث، یک مقدمه کوتاه و پنج بخش دارد. در بخش اول به کتاب‌های مستقل در این مسئله پرداخته شده که ۵۴ اثر است. در بخش دوم به کتاب‌های غیرمستقل پرداخته شده که کتاب‌های علوم

«کتاب‌شناسی توصیفی کتاب‌شناسی‌های قرآنی» معرفی شده بود.^{۲۰}

کمبود در تعداد عناوین مرتبط با موضوع در این کتاب‌شناسی. با تطبیق کتاب‌شناسی آقای امینی (۱۳۷۸) با کتاب‌شناسی آقای صحتی (۱۳۷۴)، مشخص شد که حدود ۴۵ عنوان مشترک بین دو کتاب‌شناسی است، اما متأسفانه می‌توان حدود ۹۰ اثر در کتاب‌شناسی آقای صحتی پیدا کرد، که در کتاب‌شناسی آقای امینی نامی از آنها برده نشده است.

یک‌دست نبودن داده‌ها و مشخصات عناوین کتاب‌شناسی و نیز مشخص نبودن ترتیب کار در چینش اطلاعات. در چهار قسمت عنوان کتاب ابتدا آمده است و در یک قسمت عنوان نشریه ابتدا آمده است.

اطلاعات عددی در شناسنامه عناوین قابل اعتماد نیست. برای مثال در قسمت مقالات بیشتر شماره صفحات اشتباه است. نیز عدد شماره نشریه یا ماه و فصل نشر اشتباه است.

در بخش سوم، بخش «کتاب‌هایی در موضوعات مختلف که حاوی این بحث هم می‌باشند»، تعداد عناوین بسیار ناقص و کم شمار است. این بخش به دلیل گستردگی عناوین مرتبط با آن یا باید به عنوان بخش مستقل آورده نمی‌شد و یا تعداد بسیاری زیادی عنوان کتاب که شامل این بخش می‌شوند در آن معرفی می‌شد.

نداشتن ارجاعات کمکی برای دسترسی آسان محققین و پژوهشگران مانند ترتیب براساس الفبای عناوین، ترتیب براساس الفبای مؤلفین، ترتیب براساس محل نشر، تاریخ و ...

مشخص نبودن توصیفی یا غیرتوصیفی بودن کتاب‌شناسی؛ زیرا برخی از عناوین توصیف و توضیحات اضافی دارند و در برخی عناوین فقط به آوردن شناسنامه آنها اکتفا شده است.

در این کتاب‌شناسی نیز اشاره‌ای به پایان‌نامه‌های درباره این موضوع نشده است.

در نگارش اسامی مؤلفان آثار عربی، دقت در درج «ال» ابتدای بیشتر اسامی نشده است.

در مجموع باید گفت که اگر این کتاب‌شناسی قبل از کتاب‌شناسی آقای صحتی منتشر شد، در جایگاه اولین کتاب‌شناسی درباره این موضوع و مبتدی بودن تدوینگران اثری قابل قبول بود، اما انتشار آن چهار سال پس از اثر آقای صحتی وجهی نداشته است.

مآخذشناسی افسانه‌ی تحریف قرآن

این کتاب‌شناسی مقاله‌ای است مأخوذ از پایان‌نامه‌ای که در زمستان

۲۰. رک به: ربانی، هادی، کتاب‌شناسی توصیفی کتاب‌شناسی‌های قرآنی (بخش دوم)، نشریه علوم قرآن و حدیث (صحیفه مبین)، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۸۰، ۷۱.

قرآنی را در برمی‌گیرد و در بردارنده ۳۵ اثر می‌باشد. در بخش سوم به کتاب‌های غیرمستقل پرداخته شده که کتاب‌های تفسیری را در بر می‌گیرد و شامل ۱۵ عنوان است. در بخش چهارم به کتاب‌هایی در موضوعات مختلف که حاوی این بحث هم بوده‌اند اشاره دارد که در بردارنده ۲۱ اثر است. و در بخش پنجم مقالاتی که در مطبوعات در موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن به طبع رسیده در ۴۱ عنوان شناسانده شده است.

تدوینگر در ابتدای شناساندن آثار، به چند نکته اشاره کرده است:

الف) آثار ارائه شده درباره «تحریف یا عدم تحریف قرآن» تنها در این مقاله خلاصه نمی‌شود، بلکه این مجموعه تنها آثاری است که یا خود اثر در دسترس بوده‌اند یا به هر شکل دیگر اطلاعاتی از آنها به دست رسیده است.

ب) چون بیشتر آثار ارائه شده به اثبات عدم تحریف قرآن پرداخته‌اند، نام این مقاله «کتاب‌شناسی تحریف ناپذیری قرآن» است. هر چند به بعضی از کتب مانند «فصل الخطاب» نیز اشاره شده است.

ج) در این مقاله افزون بر کتاب‌هایی که به صورت مستقل درباره موضوع «تحریف یا عدم تحریف» نوشته شده، به هر کتابی که بحث قابل توجهی درباره تحریف قرآن داشته اشاره شده است.

* * *

این کتاب‌شناسی از کتاب‌شناسی قبل و کتاب‌شناسی بعدی که درباره آن صحبت خواهیم کرد، ضعیف‌تر و غیردقیق‌تر به نظر می‌رسد. گویا ایشان فقط به اطلاعات و داده‌های کامپیوتری که در کتابخانه‌ها تنظیم می‌شود اکتفا کرده است و فقط اطلاعات به دست آمده از این منابع^{۱۹} را ذکر کرده است.

این کتاب‌شناسی بی‌دقتی‌های فراوانی دارد که برخی از کاستی‌های اثر عبارتند از:

مهم‌ترین ضعف این کتاب‌شناسی، اطلاع نداشتن تدوینگر از انتشار «کتاب‌شناسی قبلی» جناب آقای صحتی در این موضوع است که چهار سال پیش منتشر شده بوده است. با توجه به اینکه جدای از نشر آن مقاله، کتاب‌شناسی آقای صحتی در زمستان سال ۱۳۷۴ در مقاله:

۱۹. کتابخانه تخصصی مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۲. کتابخانه حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی (ره)، ۳. کتابخانه مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام)، ۴. کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآن (آیت‌الله شهرستانی)، ۵. کتابخانه تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت آیت‌الله گلپایگانی (ره)، ۶. مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، برنامه نمایه (قسمت مطبوعات)؛ ۷. کتابنامه بزرگ قرآن کریم، حسن بکایی، ۸. الذریعه الی تصانیف الشیخ، حاج آقا بزرگ تهرانی، ۹. علوم قرآن و فهرست منابع، عبدالوهاب طالقانی، ۱۰. کتابخانه پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، ۱۱. کتابخانه مدرسه علمیه فیضیه.

صورت صحت احتمال دوم باید گفت:

مؤلف دو کتاب‌شناسی آقایان صحتی و امینی را در اختیار داشته است، اما تنها ۲۴ مورد از ۱۳۴ مورد کتاب‌شناسی صحتی در مقاله ایشان ذکر منبع به نام صحتی شده است. نیز ۳۵ مورد از ۱۲۳ مورد کتاب‌شناسی امینی در مقاله ایشان ذکر منبع به نام «بینات» شده است.

در پایان‌نامه ایشان بسیاری از عناوین با ذکر: «فهرست مقالات دهه هفتاد مربوط به دبیرخانه دهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم» نقل منبع شده است، اما در مقاله ایشان هیچ ذکر منبعی نه در آثار مطرح شده و نه در منابع اصلی مقاله (انتهای مقاله) نشده است.

حذف نام مؤلف کتاب‌شناسی منتشرشده بینات در منابع اصلی انتهای مقاله و پایان‌نامه.^{۲۳} نیز معرفی نادرست نام آقای محمد امینی، نویسنده مقاله کتاب‌شناسی بینات، در داخل مقاله و پایان‌نامه کتاب‌شناسی آقای مولوی.^{۲۴}

مشخص نبودن دامنه و گستره کار کتاب‌شناسی. در مقدمه هیچ ذکر از دامنه کار نشده و مشخص نیست که این کتاب‌شناسی مربوط به تشیع است یا اهل سنت و اگر شامل آثار آنها نیز می‌شود، چرا تعداد زیادی از آثار اهل سنت در عناوین وجود ندارد.

ذکر برخی از نویسندگان آثار به دو شکل. برای مثال: حسینی میلانی و میلانی. در این مورد چون ترتیب الفبایی در مقاله ایشان اتخاذ شده، آثار یک مؤلف در دو قسمت متفاوت درج شده است و این برای مراجعه‌کنندگان به کتاب‌شناسی دردسرساز خواهد بود.

در نگارش اسامی مؤلفان آثار عربی، دقت در درج «ال» ابتدای بیشتر اسامی نشده است.

ترتیب الفبایی در برخی موارد نقض شده است. تدوینگر به محدودیت‌ها و کاستی‌های نرم‌افزارهای نشررومیز همانند «زنگار»^{۲۵} و «ورد»^{۲۶} توجه نداشته است. برای مثال الأصفی ابتدای قسمت کتب علوم قرآنی درج شده و آیت‌اللهی در انتهای قسمت الف همین بخش. یک‌دست نبودن داده‌ها و مشخصات عناوین کتاب‌شناسی در برخی موارد.

همانطور که قبلاً بیان شد، اطلاعات عددی در شناسنامه عناوین کتاب‌شناسی آقای امینی قابل اعتماد نیست. همان اشتباهات در

سال ۱۳۸۷ شمسی توسط جناب آقای محمد مولوی^{۲۱} در سی صفحه با عنوان «کتاب‌شناسی توصیفی افسانه تحریف قرآن» تنظیم شده است و در شماره ۱۳۰م نشریه «تخصصی الهیات و حقوق» دانشگاه علوم اسلامی رضوی و در صفحات ص ۱۶۹-۱۹۶ منتشر شده است.

این کتاب‌شناسی سومین کتاب‌شناسی مستقل درباره این موضوع است که با عنوان تحریف قرآن شناخته شد و در بردارنده معرفی ۳۳۲ اثر است.

جناب آقای محمد مولوی در پاییز ۱۳۸۷ با تغییر و تصحیح و بهبود پایان‌نامه، آن را به صورت یک مقاله تنظیم و با مشخصاتی که در ابتدای این گفتار بیان شد منتشر می‌کند.

اثر مورد بحث یک مقدمه بسیار کوتاه و سه بخش دارد. در بخش اول به کتاب‌های مستقل در اثبات تحریف ناپذیری قرآن پرداخته شده که شامل ۱۰۲ اثر است. در بخش دوم به کتاب‌های ضمنی و غیرمستقل پرداخته شده که در دو قسمت کتب تفسیر قرآن، شامل ۴۴ عنوان و کتب علوم قرآنی، شامل ۹۱ عنوان اثر سامان یافته است. در بخش سوم به معرفی پایان‌نامه‌ها و مقالات پرداخته شده که در قسمت پایان‌نامه‌ها به ۲۴ اثر اشاره و در قسمت مقالات ۷۱ اثر معرفی شده است.

مؤلف در ابتدای شناساندن آثار، به هیچ نکته، راهنمایی و توضیحی نسبت به کتاب‌شناسی و روش تدوین و جمع‌آوری آن اشاره نکرده است. این کتاب‌شناسی از کتاب‌شناسی امینی و صحتی کامل‌تر است و ۷۵ کتاب‌شناسی بیشتر از آنها دارد.

در این کتاب‌شناسی نیز تدوینگر تنها به اطلاعات و داده‌های کامپیوتری که در کتابخانه‌ها تنظیم می‌شود و برخی از کتاب‌شناسی‌های موردی^{۲۲} اکتفا کرده است و فقط اطلاعات به دست آورده از این منابع را بدون دقت و بررسی لازم بیان کرده است.

برخی از نکته‌ها و کاستی‌های اثر از این قرارند:

در انتهای شناسنامه برخی از آثار (نه همه) منبع اطلاعات داخل پرانتز نقل شده آمده است. این عمل دو احتمال دارد: احتمال اول هرج و مرج در نقل منابع را می‌رساند؛ به این معنی که چرا برخی از آثار منبع دارند و برخی دیگر ندارند.

یا باید هیچ کدام را نقل منبع نمی‌کردند و یا همه را نقل منبع می‌نمودند. احتمال دوم بدان معنی است که تدوینگر به قرینه اعلام می‌کند که آثاری که منبع ذکر نشده، تنظیم و گردآوری‌شان از مؤلف است. در

۲۱. متولد ۱۳۵۸ شهرستان نهاوند هستند. وی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم اسلامی رضوی (شهریور ۱۳۸۷) و نیز دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث از دانشگاه فردوسی مشهد (زمستان ۱۳۸۷) بوده‌اند.

۲۲. همانند نکیونام، جعفر؛ چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری علوم قرآنی؛ تهران: رایزن، ۱۳۷۸.

۲۳. فقط ذکر شده: «مجله بینات، شماره ۲۱».

۲۴. امین، محمد؛ «کتاب‌شناسی تحریف ناپذیری قرآن کریم»؛ بینات، شماره ۲۱ ص ۱۷۳-۱۵۳.

۲۵. مشکل برنامه «زنگار» در ترتیب‌کردن الفبایی این است که «ال» ابتدای کلمات عربی را در چینش محاسبه می‌نماید.

۲۶. مشکل برنامه «ورد» در ترتیب‌کردن الفبایی این است که «آ» را در چینش محاسبه نمی‌نماید.

کتاب‌شناسی آقای مولوی نیز تکرار شده است. همچنین نقص و اشتباه در شناسنامه برخی آثار دیگر، به دلیل اعتماد و مراجعه نکردن وجود داشته است؛ مثل اطلاعات دقیق جناب آقای صحتی.

نداشتن ارجاعات کمکی برای دسترسی آسان محققان و پژوهشگران همانند ترتیب براساس الفبای عناوین، ترتیب براساس الفبای مؤلفین، ترتیب براساس محل نشر، تاریخ و

معرفی آخرین کتاب‌شناسی درباره قرآن و تحریف

این کتاب‌شناسی در تابستان سال ۱۳۹۲ شمسی توسط اینجانب به صورت یک کتاب تنظیم شده است و توسط کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی منتشر خواهد شد.

این کتاب آخرین کتاب‌شناسی مستقل درباره عدم تحریف قرآن است و دربردارنده بیش از ۵۰۰ اثر است. که دربردارنده ۱۳۴ عنوان از کتاب‌شناسی صحتی، ۱۲۳ عنوان از کتاب‌شناسی امینی، ۷۵ عنوان از کتاب‌شناسی مولوی و بقیه متفاوت از آنها است.

برخی مزایای این کتاب‌شناسی عبارتند از:

- افزایش تعداد عناوین کتاب. (۲۰۰ عنوان بیشتر از کتاب‌شناسی های قبلی)

- ارجاعات کاربردی^{۲۷} در سرفصل‌های مختلف؛ به گونه‌ای که این ارجاعات می‌تواند حتی به تحقیقات و پژوهش‌های آماری درباره موضوع کمک کند و گویای اطلاعات مفیدی برای نتایج گزاره‌های تاریخی واقع شود.

- تصحیح و تکمیل اطلاعات و داده‌های شناسنامه‌ای عناوین کتاب‌شناسی های قبلی.

- یکپارچگی کلیه عناوین درباره موضوع عدم تحریف قرآن، اعم از کتاب مستقل و غیر مستقل، مقاله و پایان‌نامه.^{۲۸}

- ترتیب و نظم مناسب در داده‌ها و اطلاعات شناسنامه‌ای (حتی‌الامکان) همه عناوین همراه نمودن توصیفات موجود در سایت‌های کتابخانه‌ها به شناسنامه عناوین که بسیاری از آنها برای محققان کارساز و قابل توجه هستند^{۲۹} و درج محل نگهداری اثر که کار مراجعه و دسترسی محققان را به آثار تسهیل و تسریع می‌نماید.

۲۷. فهرست ارجاع براساس نام خانوادگی، نام کوچک، عنوان کتاب، تاریخ تألیف، نوع اثر، مکان نشر، محل نگهداری کتاب، ناشر اثر، جنس اثر، مترجم اثر و زبان اثر.

۲۸. البته در این کتاب‌شناسی جدای از یکپارچگی تمامی آثار، عناوین براساس نوع اثر (مقاله، کتاب، پایان‌نامه) نیز معرفی شده‌اند.

۲۹. این کار به دلیل زمان‌بر بودن در ویرایش دوم این کتاب محقق خواهد شد.